

## اسلام و جهانی شدن

Peter Pawelk, *Islam und Globalisierung*,  
L.P.B. 2003, 240 pages.

جواد قدسی

مدرس دانشگاه آزاد زنجان

دکتر پترپاولکا مسئول بخش خاور نزدیک در انستیتوی علوم سیاسی دانشگاه کارل ابرهارد شهر توینگن آلمان و از بنیان گذاران بخش خاورمیانه در آغاز دهه ۸۰ میلادی در این دانشگاه می باشد میدان فعالیت او بیشتر در حوزه های سیاسی، روابط بین الملل، اقتصاد سیاسی و تئوریهای سیاسی متمرکز شده است. او تاکنون تحقیقات زیادی در مورد کشورهای خاورمیانه انجام داده است. اما توجه خاص او در تحقیقات و تدریس بیشتر روابط بین الملل، مقایسه سیستمها و جامعه شناسی سیاسی کشورها می باشد.

او در مقدمه کتاب می نویسد: با وجود ثروت عظیم نفتی که کشورهای خاورمیانه دارند، اما از نظر نظام اقتصادی در بستر مناسبی قرار دارند. همچنین نخبگان سیاسی در این کشورها که قادرند تغییرات

سال ۱۹۹۰ افزایش یافته است (ص ۳۶۲).

جمع بندی نخبگان اسرائیل در مورد وضعیت ملت یهود در سال ۲۰۲۰ را می توان در نکات زیر خلاصه کرد:

- نگرش یهودیان خارج از اسرائیل تا سال ۲۰۲۰ نسبت به این کشور تغییر چندانی نخواهد کرد؛

- یهودیان آمریکای لاتین، صهیونیست تر از یهودیان ایالات متحده و اروپا می باشند؛

- با توجه به سکولار شدن جوامع غربی این احتمال وجود دارد که از کمکهای یهودیان به دولت اسرائیل کم شود؛ و

- گرایشهای مذهبی یهودیان چه در درون اسرائیل و چه در خارج از این کشور روبه کاهش است. مطالعه این کتاب و استفاده از نکاتی که در ارتباط با ملت یهود است، برای کلیه علاقمندان به شناخت بیشتر اسرائیل و مسایل خاورمیانه توصیه می شود.



اساسی در ساختارهای مختلف انجام دهند تلاش چندانی نکرده اند. زیرا آنها نه اختیار و نه قدرت و ظرفیت دارند تا بتوانند استراتژیهای توسعه مناسبی را ارائه دهند.

پترپاولکا برای پاسخگویی به این فرضیاتی که مطرح کرده است مسایل را از دیدگاه تاریخی، سیاسی و اقتصادی بررسی نموده و مدافع عدم توسعه را موارد مطالعه قرار داده است و معتقد است آسیای مرکزی در قرن نوزدهم و حال حاضر برپایه اقتصاد تک بعدی قرار دارد.

اکثر نظامهای سیاسی کشورهای خاورمیانه حاصل امپریالیسم کلاسیک می باشند. تحقیقات تاریخی و تحلیلهای مقایسه ای نشان می دهند که چگونه نخبگان سیاسی در گذشته و حال نسبت به توسعه اقتصادی عکس العمل نشان می دهند. در مقابل در بین مسلمانان خاور نزدیک یک گروه نخبه متضاد با دیگر نقاط جهان شکل گرفته اند که به مسایل اقتصادی جهان با دید دیگری می نگرند کسه به نظر می رسد راه گشایان اقتصاد جدید باشند.

پاولکا پس از این مقدمه به تحلیل موضوعی پرداخته و در آغاز به توضیح جهانی شدن می پردازد و می نویسد: در آستانه ورود به قرن ۲۱ خاورمیانه با موجی از ساختار

تغییرات دینامیکی سیستمهای جهانی روبه رو شده است که باید آن را با واژه جهانی شدن توضیح دهیم. توسعه کاپیتالیسم مانند موجی به شکل سریع تمامی کره خاکی را در نوردید و توسعه ای ناخواسته در سرتاسر جهان ایجاد کرده است. به طور کلی استنباط از مفهوم جهانی شدن به قرار زیر است: «جهانی شدن یک فرایند تغییر شکل در سازمانهای منطقه ای یا مکانی و تبدلات اجتماعی پست هویت می باشد».

در بخش دیگر نویسنده ابعاد اختلاف دیدگاهها و مسایل دیگر جهانی شدن را به بحث گذاشته و نظرات اندیشمندان مختلف مارکسیستی، سرمایه داری و مذهبی را در این باره بیان می کند که موضوعی بسیار گسترده است. نویسنده سپس به دلایل عدم رشد جهانی شدن در خاورمیانه پرداخته و می نویسد: با نگاهی به توسعه اقتصادی اجتماعی در منطقه سئوالات زیادی در ذهن تداعی می شود به عنوان مثال: چه عواقب اقتصادی جهانی شدن به همراه دارد، جوامع چگونه در مقابل خواسته های جهانی خود را شکل می بخشند، و طبقه نخبگان چه پتانسیلهایی در جهت هدایت جامعه و دولت باید داشته باشند، که در این بخش کوشش می کند به آنها پاسخ دهد.

موضوع دیگر انقلاب نفتی است. نویسنده در صدد پاسخگویی به این سؤال است که آیا انقلاب نفتی ثروتها و ارتباطات قدر ترا تغییر داده یا خیر و نتیجه می‌گیرد با وجود بارش زیادی دلارهای نفتی (Petrodollar Regen) تغییر آنچنانی در محور توسعه داده نشده است. ضمناً در این بخش با جداولی که ترسیم کرده در صدد انباشت مدعای خود می‌باششد. مؤلف کتاب سپس به این نکته حساس می‌پردازد که توسعه سیاسی و سازش‌پذیری در این گونه جوامع با تأمل و آرامی یا کنندی انجام می‌شود. موضوعات دیگر که کتاب عبارتند از: عوامل داخلی عقب افتادگی توسعه و عکس‌العملهای جامعه، موازی بودن عقب ماندگی تاریخ و عدم رشد و توسعه، امپریالیسم و جهانی شدن به عنوان زیرساختار عقب ماندگی، تأثیرات فرهنگی و تغییر ارزشهای سیستمی، قدرتمندان و مبارزات نخبگان برای به دست گرفتن قدرت، عکس‌العملهای توسعه سیاسی بر عملکرد امپریالیسم.

موضوع دیگر کتاب درباره تفکر خصمانه می‌باشد که عاملی برای همسان سازی در یک انقلاب اجتماعی است. پاولکا در این مورد می‌نویسد: بعضی از رژیمهای سیاسی به خاطر مشکلات

اقتصادی و مسایل اجتماعی مانع هر گونه حرکتی در جامعه می‌گردند. بوروکراسی منارشیستی و حکومتهای سودجو عکس‌العمل سریع و عدم استفاده از زمان مطلبی دیگر است که در کتاب به آن پرداخته شده در این قسمت او با مقایسه چند کشور پیشرفته غربی با کشورهای خاورمیانه نشان می‌دهد که کشورهای غربی و پیشرفته توانسته از عامل زمان حداکثر استفاده را نموده و از انقلابها و حرکتهای اجتماعی بهترین بهره را حاصل کنند. اما کشورهای خاورمیانه به خاطر استفاده غیرمنطقی از فاکتورهای حرکتهای اجتماعی و زمانی نتوانسته‌اند پیشرفت لازم را ایجاد نمایند.

نویسنده در بخش دیگر کتاب خود به بحث درباره ترکیه می‌پردازد و این کشور را طلایه دار یا پیشگام توسعه سیاسی و خاور نزدیک معرفی می‌کند و می‌نویسد: ترکیه نمونه‌ای از مناطق دارای تشنج در خاورمیانه است که موفق شده با استفاده از عامل زمان و موقعیت‌شناسی به پیشرفت چشمگیری نایل شود. موضوع جالب دیگر کتاب عکس‌العمل توسعه سیاسی بر جهانی شدن است. نویسنده پس از ارایه این دیدگاه در صدد است راهکارهای متعددی برای جهانی شدن به دست دهد و می‌نویسد: پیروزی در این جهان

پر تلاطم و هماورد خواهی در رقابت بستگی زیادی به نوع سیستم سیاسی دارد. او می نویسد غلبه بر مسایل اقتصادی و توسعه سیاسی ارتباط تنگاتنگی با نظامهای سیاسی پیدا می کند. در نتیجه باید بینیم اختلاف نظامهای سیاسی پدرسالانه کلاسیک<sup>(۱)</sup> و نظامهای پادشاهی بوروکراتیک<sup>(۲)</sup> و نظامهای صلح جوی بورژوازی کدام یک در قدرت گیری و مبارزه طلبی روند جهانی شدن موفق تر هستند. مولف برای بررسی قدرت نظامها از سه فاکتور: توانایی اداره کشور، بازیگران صحنه جامعه و نوع برخورد با مخالفین نام می برد. بخش دیگری از کتاب به تفسیرهای متفاوت درباره پتانسیلهای اداره کشور و عملکرد بازیگران جامعه اختصاص دارد. در خاتمه با ارایه سه بخش مهم دیگر نتیجه گیری می کند که اصولاً رژیمهای کلاسیک مانع پیشرفت و نوآوری در همه حوزه ها بالاخص اقتصادی هستند و رژیمهای سلطنتی (منارشیستی) محدودیتهایی در راه مدرن کردن تجارت ایجاد می کنند و نظامهای صلح جو از زیر قیومیت بودن اهمیتهای سیاسی (نخبگان سیاسی) در عذاب هستند.

قسمت پایانی کتاب اختصاص به موضوعی تحت عنوان «اسلام گرایان مخالف

نخبگان» دارد. او در این قسمت بین اسلام و اسلام گرایانی تفاوت قایل می شود و می گوید: به نظر من اسلام گرایی یک حرکت سیاسی مدرن است که اروپاییان سیاسی و برنامه های اصلی آن برگرفته شده از اسلام است اما اسلام گرایان در نظامهای خود با هر گونه تفکری مثل کاپیتالیسم و مارکسیسم و به طور کلی با فرهنگ غربی در ستیز هستند و مایلند نظام اسلامی مورد نظر خود را جانشین آنها کنند و اغلب تفکرات و رویاها و آرزوهای آنها ضد مادی گرایی است و توجه آنها بیشتر به مسایلی همچون اخلاق و کمبود و کاستیهای اجتماعی و ارزشهای خاص فرهنگی می باشد و گاهی نیز به تحلیل توسعه سیاسی و ایدئولوژیکی توجه می کنند. به طور خلاصه باید گفت نویسنده کتاب با دیدگاههای انتقادی ولی تا حدودی بی طرفانه به مسایل خاور نزدیک پرداخته است. مطالعه این کتاب برای خوانندگان پیرامون خاورمیانه که مایل به درک اندیشمندان آلمانی در مورد اسلام و توسعه هستند بسیار جالب است. جایگاه این کتاب در میان کتاب ترجمه نشده به فارسی برای خوانندگان علاقمند بسیار خالی است.

